

دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، پیاپی ۲۳، صص ۱۲۹-۱۶۶

جنبش‌های اجتماعی جدید، جهانی شدن و اینترنت؛

مطالعه موردی: جنبش تسخیر وال استریت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۵

حسین رفیع *

میثم بلباسی **

سید محمدجواد قربی ***

چکیده

نوشتار حاضر، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه رابطه و تأثیرگذاری میان جنبش‌های اجتماعی جدید، جهانی شدن و اینترنت وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان از این دارد که جنبش‌های اجتماعی جدید و جهانی شدن دارای تأثیرات متقابل بر روی یکدیگر می‌باشند، به طوری که بسیاری از جنبش‌ها در ارتباط با مشکلات جهانی بسیج می‌شوند و در مقابل امکان برقراری این مبادلات و آگاهی از مشکلات جهانی تا حد زیادی به وسیله دومین جنبه جهانی شدن؛ یعنی گسترش ارتباطات فراملی، افزایش یافته است. یکی از مهم‌ترین ابزار فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، اینترنت است که به افزایش قدرت جنبش‌های اجتماعی جدید کمک کرده و جنبش تسخیر وال استریت یکی از آن‌ها است که بر اساس تغییرات ساختاری بر مبنای تحولات جوامع سرمایه‌داری صنعتی قابل تبیین است و از شاخص‌های آن، استفاده گسترده از فناوری اطلاعاتی و ارتباطی اینترنت و به خصوص شبکه‌های اجتماعی مجازی است که کمک شایانی در جهانی شدن این جنبش داشته است. برای انجام این تحقیق از روش توصیفی- تحلیلی و تبیینی بهره گرفته می‌شود.

واژگان کلیدی

جنبش‌های اجتماعی، جهانی شدن، اینترنت، شبکه‌های مجازی، جنبش وال استریت

H.Rafie@umz.ac.ir

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران

** دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Belbasi.Meisam@ut.ac.ir

Ghorbi68@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی (ره)

مقدمه

با ظهور عصر اطلاعات و ارتباطات و پیچیده‌تر شدن آن، بشر با پدیده‌ای به نام جنبش اجتماعی روبه‌رو شده است که بررسی آن دانشمندان علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات را به خود مشغول کرده است. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم میلادی جنبش‌هایی معروف به «جنبش‌های نوین اجتماعی» در آمریکا شکل گرفت که با تعاریف سنتی از جنبش‌ها هم‌خوانی نداشته و در شکل جنبش‌های مدنی، محیط زیست، جنبش صلح، دانشجویی، حقوق بشر، پسااستعماری، ضدنژادپرستی و فمینیستی نمود پیدا کردند (گوهری‌مقدم و دهقانی محمدآبادی، ۱۳۹۰، ص ۶). جنبش‌های اجتماعی یکی از ویژگی‌های آشکار دنیای مدرن است و تاریخ دولت‌های مدرن با تأثیرات جنبش‌های اجتماعی درهم‌تنیده شده است (نصرتی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷). جهانی شدن نیز، یکی از ویژگی‌های عصر جدید به شمار می‌آید که دارای لوازم و عناصر مختلفی است. یکی از مهم‌ترین ابزارها و لوازم جهانی شدن فناوری‌های نوین ارتباطی است که از دهه ۱۹۹۰ به این سو نقش برجسته‌ای در جهانی شدن اطلاعات و حوادث مهم جهانی داشته است. با وقوع انقلاب اطلاعات و ارتباطات، جامعه و جهان کنونی در معرض و تلاقی سه فرآیند مستقل تاریخی قرار گرفته است: انقلاب اطلاعات؛ تجدید ساختار سرمایه‌داری؛ و جنبش‌های نوین اجتماعی. می‌توان سرمشق فناوری اطلاعات را چشم‌اندازی دانست که در آن فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و جنبش‌های اجتماعی به‌صورت پیوسته‌ای بر همدیگر تأثیر می‌گذارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند (خانیکی و بابایی، ۱۳۹۰، ص ۷۳). در همین راستا جنبش‌های اجتماعی جدید نیز از فناوری‌های نوین ارتباطاتی، به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، در جهت افزایش قدرت خود و جهانی کردن خواسته‌ها و مشکلات خود و همچنین شکل‌دهی و هدایت افکار عمومی جهانی و بسیج اعتراض‌های جهانی استفاده می‌کنند. یکی از این جنبش‌ها، جنبش تسخیر وال‌استریت است که در سال ۲۰۱۱ به وقوع پیوست و توجه کشور آمریکا و جهان را به خود معطوف کرده است و آمریکایی‌ها را به پاسخ‌گویی در مورد پس‌روی‌های بزرگ در کشور واداشته است. با این تفاسیر، نوشتار حاضر با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و تبیینی به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چه رابطه و تأثیر‌گذاری میان جنبش‌های اجتماعی جدید و جهانی شدن وجود دارد؟ و نقش و تأثیر اینترنت و به‌ویژه شبکه‌های

اجتماعی مجازی در این رابطه چیست؟ در پایان جنبش وال‌استریت به صورت مطالعه موردی، بررسی می‌شود.

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، نظری و توسعه‌ای و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و تبیینی است. روش توصیفی-تحلیلی، آنچه را که هست، توصیف و تفسیر می‌کند و به شرایط یا روابط موجود، عقاید متداول، فرایندهای جاری، آثار مشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارد. هدف محقق در این روش؛ توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است تا نتایج عینی از موضوع بگیرد (طاهری، ۱۳۹۰، صص ۱۴۲-۱۴۳)؛ بنابراین در این نوشتار، محقق با مطالعه موردی جنبش وال‌استریت (بر اساس آمار و اسناد)، علاوه بر تصویرسازی آنچه که هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله می‌پردازد. فنون و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی است؛ یعنی از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک، نشریات، مجلات و مقالات معتبر تخصصی استفاده می‌شود.

۲. جنبش‌های اجتماعی؛ مبانی مفهومی و نظری

۲-۱. معنا و مفهوم

گی‌روشه، جنبش اجتماعی را عبارت از سازمانی کاملاً شکل‌گرفته و مشخص، که به منظور دفاع و یا گسترش و یا دستیابی به هدف‌های خاصی به گروه‌بندی و تشکل‌های اعضا می‌پردازد، می‌داند (روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۶۴). آنتونی گیدنز، جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک از طریق عملی خارج از حوزه نهاد‌های رسمی تعریف می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۴، ص ۶۷۲). تام باتامور، جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیشبرد یا مقاومت در برابر دگرگونی در جامعه‌ای که خود بخشی از آن است تعریف می‌کند (باتامور، ۱۳۶۹، ص ۵۶). دلاپورتا و دیانی جنبش‌های اجتماعی را شبکه‌های غیررسمی مبتنی بر اعتقادات مشترک و همبستگی می‌دانند که از طریق استفاده مداوم از اشکال گوناگون اعتراض، حول موضوعات منازعه‌آمیز بسیج می‌شوند (دلاپورتا و دیانی، ۱۳۸۴،

ص ۳۳). از نظر آلن تورن، هدف اصلی جنبش‌ها، در دست گرفتن تاریخ‌مندی است که عبارت است از شیوه نگرشی که در آن از شناخت فرآیندهای اجتماعی برای تغییر شکل شرایط اجتماعی زندگی استفاده می‌شود (نصرتی‌نژاد، ۱۳۸۳، صص ۱۴۷-۱۴۸). چارلز تیلی معتقد است که جنبش‌های اجتماعی، شامل مجموعه‌ای از کارکردهای ستیزه‌جو است که از طریق سازمان‌دهی مردم پیرامون خواسته‌های جمعی عمل می‌کند. به عقیده وی، جنبش اجتماعی مهم‌ترین وسیله مشارکت مردم عادی در سیاست عمومی است (Tilly, 2004, p.262). تورن سه اصل بنیادی برای جنبش‌های اجتماعی برمی‌شمارد: هویت، ضدیت یا مخالفت و همگانی بودن (روشه، ۱۳۷۶، ص ۶۵).

۲-۲. انواع و شاخص‌ها

در یک تقسیم‌بندی کلی، چهار نوع جنبش اجتماعی را می‌توان مشخص کرد: جنبش‌های دگرگون‌ساز، جنبش‌های اصلاح‌طلب، جنبش‌های رستگاری‌بخش، جنبش‌های تغییردهنده (نصرتی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸). بلومر در تقسیم‌بندی جنبش‌های اجتماعی، آن‌ها را به سه دسته عام، خاص، احساساتی و بیانی تقسیم می‌کند (قاسمی سیانی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱). در هر جنبش اجتماعی باید سه نوع کنش یا رفتار اتفاق بیفتد: شناخت، عرضه و اجرا. اولین قدم یعنی شناخت بر عهده رهبران است. آن‌ها اندیشه‌ای را تشخیص می‌دهند و تلاش می‌کنند بر اساس آن ایدئولوژی بسازند. رهبران معمولاً ایدئولوژی را به توزیع‌کنندگان عرضه می‌دارند و توزیع‌کنندگان آن را به پیروان معرفی می‌کنند. در پایان به اجرا می‌رسیم که رفتار نهایی همه کنشگران است (زاهد زاهدانی، ۱۳۷۷، صص ۲۶۵-۲۶۶). بر اساس مطالعات جدید حداقل چهار علامت و ویژگی مشترک را در تمامی جنبش‌ها، اعم از قدیم و جدید می‌توان یافت: اولاً جنبش‌ها حول محور یک یا چند تضاد و شکاف در جامعه شکل می‌گیرند؛ ثانیاً آموزه‌ها، ایده‌ها و شعارهای مشترکی باید شکل گرفته باشد و هواداران جنبش در جریان قبول و استقبال از این آموزه‌ها نسبت به یکدیگر احساس آگاهی، هویت و همبستگی کنند؛ ثالثاً روابط میان طرفداران جنبش فقط به احزاب، نهادها و سازمان‌های بزرگ بوروکراتیک متکی نیست، بلکه به شبکه وسیع روابط غیررسمی در میان همفکران، همکاران و دوستان اتکای اساسی دارد و نهادهای حکومتی به راحتی نمی‌توانند این شبکه وسیع روابط جمعی را از پیش

روی خود بردارند؛ رابعاً در تمام جنبش‌ها، باید امکان شکل خاصی از اعتراض جمعی و سیاسی وجود داشته باشد. معمولاً امکان این اعتراض وقتی فراهم می‌شود که یا ساختارهای دولت اجازه فعالیت به جنبش‌ها را بدهد، یا دولت ضعیف باشد و قادر به کنترل فعالیت جنبش‌ها نباشد و یا نیروی ناشی از بسیج مردمی جنبش چنان قوی باشد که دولت نتواند آن را کنترل کند (جلایی‌پور، ۱۳۸۱، صص ۲۹-۳۰).

جدول شماره ۱. تفاوت‌های جنبش‌های اجتماعی قدیم و جدید

معیارها	جنبش‌های اجتماعی قدیم	جنبش‌های اجتماعی جدید
سازمان	اتحادیه‌های صنفی و احزاب	سازمان‌های شبکه‌ای و غیردولتی
سیاست	سیاست یکسان‌گرایی سیاست نهادینه سیاست رهایی‌بخش سیاست طبقاتی	سیاست تفاوت سیاست جنبش سیاست زندگی سیاست هویت
اهداف	سیاسی و اقتصادی تغییرات نظام‌مند سیاسی مبارزه با استعمار دعاوی کل‌گرایانه	فرهنگی و هویتی اصلاحات در سیاست‌گذاری مبارزه با طرد اجتماعی دعاوی مشخص و ویژه
روش‌ها	از مبارزه نهادینه تا خشونت تصرف قدرت مواجهه‌گری مبارزه و ایجاد تضاد خودخواهانه ذی‌نفع‌بودگی	اعتراض مدنی و روش‌های غیرخشونت‌آمیز گفت‌وگوی با قدرت طرفیت‌سازی مذاکره و حل تضاد دگرخواهانه داوری و وکالت خودخوانده

(قانع‌راد و خسروخواور، ۱۳۸۶، ص ۲۴۰)

آن دسته از ویژگی‌هایی که جنبش‌های جدید را به لحاظ جهت‌گیری، سازمان و نوع بدیع می‌سازد، شامل موارد زیر است:

۱. غیرابزاری بودن، یعنی بیان‌کنندهٔ علایق و نگرانی‌های جهان‌شمول و اغلب اعتراض‌آمیز نسبت به وضعیت اخلاقی‌اند و نه نمایندهٔ منافع مستقیم گروه‌های اجتماعی خاص.
 ۲. بیشتر به‌سوی جامعهٔ مدنی جهت‌گیری شده‌اند تا دولت، به این معنی که این جنبش‌ها نسبت به ساختارهای بوروکراتیک متمرکز بدگمان هستند و به‌سوی تغییر عقاید عمومی جهت‌گیری شده‌اند، همچنین این جنبش‌ها بیشتر به جنبه‌هایی نظیر فرهنگ، شیوهٔ زندگی و مشارکت در سیاست اعتراض‌نمادین توجه دارند تا به ادعای حقوق اجتماعی - اقتصادی.
 ۳. این جنبش‌ها به شیوه‌های غیررسمی، باز و انعطاف‌پذیر سازمان‌دهی شده‌اند و حداقل در بعضی زمینه‌ها از سلسله‌مراتب، بوروکراسی و حتی گاهی اوقات، قرار دادن شرایطی برای عضویت اجتناب می‌کنند.
 ۴. این جنبش‌ها به‌شدت به رسانه‌های جمعی متکی‌اند و از طریق آن‌ها درخواست‌هایشان را مطرح می‌کنند، اعتراضاتشان را نمایش می‌دهند.
 ۵. معیار دیگری که برای جدید بودن جنبش‌های اجتماعی مطرح شد، زمینهٔ اجتماعی است که این جنبش‌ها در آن ظهور می‌یابند. در این زمینه نیز دو دیدگاه کلی وجود دارد: دیدگاهی که جدید بودن زمینهٔ اجتماعی را به تغییر در ساختار طبقاتی جوامع سرمایه‌داری نسبت می‌دهد و دیدگاهی که جدید بودن زمینهٔ اجتماعی را به دگرگونی جامعه از مدرنیتهٔ صنعتی به جامعهٔ پسا صنعتی و پسامدرن ارتباط می‌دهد (نش، ۱۳۸۹، صص ۱۳۱-۱۳۴).
- بیشتر جنبش‌های اجتماعی جدید، فاقد نگاه ساختاری بوده و تنها به مسائل روبنایی همچون مسائل فرهنگی، هویتی و شناختی توجه دارند و حداکثر این‌که به‌جای توجه به مسائل ساختار اجتماعی، بر تغییر افراد تأکید دارند (قانعی‌راد و خسروخاور، ۱۳۸۶، صص ۲۳۷).
- جنبش‌های نوین اجتماعی بر روی دو مسئلهٔ مهم متمرکز دارند، یکی مسئلهٔ آگاهی و روشن‌بینی و دیگری مسئلهٔ رهایی‌بخشی است که در دگرگونی‌های اجتماعی مدنظر هستند، به‌عبارت دیگر این جنبش‌ها بر روی زندگی افراد تأثیر می‌گذارند (Berton, 1994, p.37). بیون و کلوارد از نظریه‌پردازان جنبش‌های اجتماعی جدید، معتقدند که مردم فقیر یک ظرفیتی برای درهم ریختن زندگی روزانه، شامل تهدید کردن ائتلاف حکومت دارند. آن‌ها معتقدند، ستیزه کردن یک اعتراضی است که تنها ابزار قابل ماندنی در انبار سیاسی مردم فقیر است که البته به‌کارگیری آن نادر است و همیشه مؤثر نیست. آن‌ها معتقدند که فرصت‌ها برای اعتراض

زمانی رخ می‌دهند که تغییرات وسیع اجتماعی و یک بازسازی از نهاد زندگی وجود دارد که در این صورت فقرا فرصت استفاده از تنها منبع قدرتی که خودشان دارند، یعنی اعتراض را به کار خواهند گرفت (Klandermans & Roggeband, 2007, pp.115-116). زالد معتقد است جنبش‌ها همواره در حال معناسازی، به تصویر کشیدن بی‌عدالتی‌ها و تعریف راه‌های تغییر وضع موجودند و از این طریق درصدد برمی‌آیند مقامات حکومتی و نظاره‌کنندگان را به درستی اقدامات و اندیشه‌هایشان هدایت نمایند (Zald, 1996, p.269).

۲-۳. تبیین ساختاری و جنبش‌های اجتماعی جدید

در ارتباط با تبیین جنبش‌های اجتماعی جدید، پنج رویکرد مختلف وجود دارد که عبارت‌اند از: تبیین ارزشی بر مبنای تکوین و گسترش ارزش‌های پسامادی گرایانه؛ تبیین ساختاری بر مبنای تحولات جوامع سرمایه‌داری صنعتی؛ تبیین ساختاری بر مبنای تحولات نظام جهانی؛ تبیین سیاسی بر مبنای پسامدرنیته و تکوین هویت‌های جدید؛ و نهایتاً تبیین تلفیقی. در این میان، تبیین ساختاری بر مبنای تحولات جوامع سرمایه‌داری صنعتی با پیدایش جنبش تسخیر وال‌استریت منطبق است.

بر اساس تبیین ساختاری، درحالی‌که جامعه صنعتی حول محور تولید صنعتی سازمان یافته بود، در جامعه پسا صنعتی دانش و اطلاعات منابع کلیدی محسوب می‌شوند که این امر به ایجاد اشکال جدیدی در برخورد منجر می‌شوند که بیشتر فرهنگی هستند تا اقتصادی. در این جوامع برخورد طبقاتی جای خود را به برخورد بر سر کنترل دانش که به‌ویژه بین بخش‌های تحصیل‌کرده جامعه که درعین حال حاشیه‌ای شده‌اند و کسانی که از دانش برای اداره جامعه جدید استفاده می‌کنند، رخ می‌دهد. آن‌تورن با کاربست مفهوم تاریخ‌مندی یا تاریخیت، درصدد تبیین جایگاه و نقش جنبش‌های اجتماعی جدید به‌مثابه کنشگران عمده عرصه سیاست هویت، برآمده است. تاریخ‌مندی عبارت است از توان تولید تجربه‌ای تاریخی از طریق الگوهای فرهنگی، یعنی تعریفی جدید از طبیعت و انسان. از دیدگاه تورن، محور تعارضات در عصر سیاست هویت، مشکلات فرهنگی و به‌ویژه اخلاقی است. هدف این سیاست و جنبش‌ها حفظ موجودیت زندگی اجتماعی است که باید در مقابل تکنوکراتیزه شدن جامعه و نظام قواعد، تصمیمات و اطلاعات که جایی برای بحث و ارتباط باقی

نمی‌گذارند از آن حفاظت کرد. این جنبش‌ها برای نیل به جامعه‌ای مبارزه می‌کنند که بر اساس تنوع تعریف می‌شود (کریمی، ۱۳۹۰، صص ۲۸۷-۲۹۰).

کلاس اوفه نیز ظهور و رشد سیاست هویت و جنبش‌های اجتماعی جدید را در ارتباط تنگاتنگ با تغییر در ساختار طبقاتی جوامع سرمایه‌داری پیشرفته می‌داند. به نظر اوفه شکل‌گیری عواملی همچون رفاه نسبی سوسیال‌دموکراسی، دست‌یابی به سطوح بالای آموزش و رشد شتابان بخش خدماتی، شرایط را برای ظهور و بروز جنبش‌های اجتماعی جدید به‌منزله بازیگران اصلی سیاست هویت فراهم کرده‌اند. به عقیده اوفه طبقات متوسط جدید و به‌ویژه کسانی که در استخدام دولت هستند و گروه‌های کالایی‌نشده نظیر دانشجویان، زنان خانه‌دار و دریافت‌کنندگان خدمات رفاهی خیریه، با سهولت و سرعت جذب اهداف و علایق عام، جهان‌شمول و غیرطبقاتی جنبش‌های اجتماعی جدید می‌گردند؛ زیرا این گروه‌ها محتمل‌ترین گروه‌هایی هستند که از عناصر غیرعقلانی نظام سرمایه‌داری معاصر، آگاهی می‌یابند و به‌طور مستقیم نقایص آن را تجربه می‌نمایند (نش، ۱۳۸۹، صص ۱۳۳-۱۳۶).

آلبرتو ملوچی ظهور سیاست هویت و جنبش‌های نوین اجتماعی را با تکوین و گسترش جامعه پسا صنعتی هم‌پیوند می‌داند. وی با الهام‌گیری از ایده استعمار جهان-زیست هابرماس بیان می‌دارد که جوامع معاصر، نظام‌هایی به‌شدت تفکیک شده‌اند که در همان حال که همگرایی نزدیک‌تری کسب می‌کنند و کنترل بر روی انگیزه‌های عمل انسان را افزایش می‌دهند، به‌گونه‌ای فزاینده در ایجاد مراکز عمل مستقل فردی نیز، سرمایه‌گذاری می‌کنند. ملوچی بر این باور است که جنبش‌های اجتماعی جدید تلاش می‌کنند با دخالت بیش از اندازه دولت و بازار در زندگی اجتماعی مخالفت کنند و در مقابل دست‌کاری و دخالت همه‌جانبه از سوی نظام، هویت فردی و حق زندگی خصوصی و عاطفی فرد را بازیابی و احیا کنند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۴، ص ۲۸). در فضای نوین سیاست‌ورزی، جنبش‌های اجتماعی جدید نیز مقاصد خود را به تعقیب سود مادی، محدود نمی‌کنند بلکه خود آرمان‌ها و ایده‌های متداول سیاست و جامعه را به چالش می‌کشند. بازیگران جدید، خواهان افزایش دخالت دولت برای تضمین امنیت و رفاه نمی‌شوند بلکه در مقابل گسترش مداخله سیاسی و اداری در زندگی روزمره، مقاومت می‌کنند و از استقلال شخصی دفاع می‌نمایند. ملوچی معتقد است در جامعه پسا صنعتی، جنبش‌های نوین اجتماعی به‌عنوان نظام‌های کنش در جامعه

مدنی شکل می‌گیرند و به دنبال بسط دموکراسی به معنای افزایش امکان ابراز وجود و کسب شناسایی و استقلال رفتاری و گروهی و به عبارت دیگر به دنبال دموکراسی معانی هستند (کریمی، ۱۳۸۶، صص ۸۹-۹۰).

۳. جهانی شدن؛ مفاهیم و دیدگاه‌ها

برخی جهانی شدن را کوچک شدن و نزدیک شدن جهانی و برخی آن را جدایی فضایی-زمانی، و برخی دیگر آن را گسترش سرمایه‌داری یا رهایی از سلطه دولت-ملت می‌دانند (نصرتی‌نژاد، ۱۳۸۳، صص ۱۴۲-۱۴۳). به هر روی، جهانی شدن یک فرآیند است و هنوز به مرحله تکامل نرسیده و همچنان ادامه‌دار است (جهانگیر، ۱۳۸۶، ص ۷۸). اگر این مفهوم را به عنوان افزایش ارتباطات متقابل بین‌المللی در نظر بگیریم، بنابراین جهانی شدن فرآیندی است که در طول ۵۰ سال اخیر در حال اتفاق افتادن بوده است (Hirst & Grahame, 2002, p.247). مفهوم جهانی شدن را به درهم‌فشرده شدن جهان و تراکم آگاهی نسبت به جهان تعبیر کرده‌اند. جهانی شدن گرچه به معنای یگانه شدن جهان است اما یگانه شدن را نباید با دو مفهوم وحدت و ادغام اشتباه گرفت (Robertson, 1992, p.8).

مارکسیست‌ها معتقدند سرمایه‌داری جهان را به شکل خود درمی‌آورد یا اینکه سرمایه به مناطق توسعه‌نیافته یعنی مناطقی که هنوز به مرحله سرمایه‌داری نرسیده‌اند نیاز دارد و از این مناطق برای توسعه خود استفاده می‌کند. آن‌ها معتقدند که رقابت بین سرمایه‌داران؛ منطق و دینامیک جهانی شدن است (جهانگیر، ۱۳۸۶، ص ۷). آنتونی گیدنز معتقد است که جهانی شدن از پیامدهای روند نوین‌سازی و تجدد است و آن را تشدید مناسبات اجتماعی در سطح جهان می‌خواند که نقاط دور را به یکدیگر متصل می‌سازد، به گونه‌ای که حوادث یک نقطه از جهان تحت تأثیر حوادث نقطه‌ای دیگر با کیلومترها فاصله، شکل می‌گیرد (Giddens, 1990, p.64). در تعریفی دیگر آمده است که جهانی شدن در بُعد سرزمینی دولت-ملت همانند شطی است که در حال از میان بردن همه مرزها و پایگاه‌های مراقبت است. از این رو، جهانی شدن بر تضمین حاکمیت قانون و کارایی دولت، بر حاکمیت دولت سرزمینی، بر هویت جمعی و بر مشروعیت دموکراتیک دولت-ملت تأثیر می‌گذارد. جهانی شدن از یک سو به هم‌تراز کردن فرهنگ‌ها می‌پردازد و نوعی یکسانی در حوزه فرهنگ به وجود می‌آورد و از

طرفی به ظهور تفاوت‌ها کمک می‌کند (نصرتی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴). جیمز میتلمن معتقد است که جهانی شدن یعنی ادغام روندهای متعدد فراملی و ساختارهای داخلی به‌گونه‌ای که اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی یک کشور اجازه می‌یابد در کشور دیگر نفوذ کند (Mittelman, 1996, p.3).

جهانی شدن فرآیندی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند. گسترش روابط و پیوندهای گوناگون بین دولت‌ها و جوامعی که نظام نوین را شکل می‌دهند و فرآیندهایی که رخدادها، تصمیم‌ها و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان، می‌توانند پیامدهای مهمی برای افراد و جوامع دیگر دربر داشته باشند. در عصر جهانی شدن، دولت-ملت‌ها با سه فرآیند مهم و چالش‌ها از ناحیه آن‌ها مواجه هستند: ۱. جهانی شدن سیاست، فرهنگ و اقتصاد؛ ۲. تشدید آگاهی‌های سیاسی-اجتماعی و انقلاب ارتباطات و اطلاعات (دهکده الکترونیک جهانی)؛ ۳. گسترش فزاینده سازمان‌های بین‌المللی مدنی و جنبش‌های اجتماعی جدید (سردارنیا، ۱۳۹۰، ص ۲۰۵). کاستلز جلد نخست از کتاب عصر اطلاعات خود را به بحث درباره جامعه شبکه‌ای که آن را یکی از ویژگی‌های سرمایه‌داری متکی به اطلاعات به شمار می‌آورد، اختصاص داده است. ویژگی اصلی جامعه شبکه‌ای به‌اجمال عبارت‌اند از: اقتصاد اطلاعاتی، اقتصاد جهانی، فعالیت‌های اقتصادی شبکه‌ای، تحول در نحوه انجام کار و در ساختار اشتغال، ظهور قطب‌های متقابل بر اساس میزان دسترسی به اطلاعات، فرهنگ واقعیت مجازی، سیاست بر بال رسانه، زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها (کاستلز، ۱۳۸۰، صص ۱۵-۱۷). بی‌تردید جهانی شدن فرآیندی غامض و درهم‌پیچیده است که از دامنه‌ای وسیع، پراکنده و لجام‌گسیخته برخوردار است. با توجه به ابعاد گوناگون این فرآیند، می‌توان به پنج ویژگی مهم آن اشاره کرد:

۱- جهانی شدن فرآیندی منفک در یکی از وجوه اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی نیست بلکه این پدیده، فرآیندی منسجم و یکپارچه است که در تمام عرصه‌های اجتماعی رسوخ کرده است.

۲- جهانی شدن در نخستین معنای خود، پدیده‌ای چالشگر است، به گونه‌ای که قلمرو بسیاری از مفاهیم سنتی مانند امنیت، دولت، مشروعیت، هویت و... را درنوردیده و زمینه را برای بازتفسیر آن‌ها فراهم ساخته است.

۳- در جریان جهانی شدن، نه با یک وضعیت غایی بلکه با فرآیند «شدن‌ها» سروکار داریم، فرآیندی که به کمک نیروهایی مهم مانند ارتباطات، شرکت‌های فراملی و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، مرزهای ملی را کم‌رنگ کرده و بسیاری از پدیده‌ها به صورت وضعیتی پایدار باقی نمانده و عاقبت به مرحله دیگری وارد می‌شود.

۴- ویژگی دیگر این که فرصتی است که هم می‌تواند منجی باشد و هم مهلک.

۵- این فرآیند پدیده‌ای «تناقض‌نما» است که با مفاهیم دوگانه جهانی - محلی، جهان‌گرایی - منطقه‌گرایی، همگرایی - واگرایی، همگنی - ناهمگنی، تنوع - یکسان‌سازی و... روبه‌روست (چوپانی، ۱۳۸۸، صص ۱۵۸-۱۵۹).

۴. رسانه‌های جمعی و اینترنت

رسانه در مفهوم عمومی آن به معنی عامل یا چیز وساطت‌کننده است و در معنی خاص، هر وسیله‌ای است که بین پیام و دریافت‌کننده آن وساطت می‌کند؛ بنابراین رسانه‌ها، ابزارهایی برای انتقال پیام در گستره فردی و جمعی هستند و در طول زمان از اشکال اولیه فردی به اشکال پیشرفته جمعی توسعه پیدا کرده‌اند (ذکایی و حسنی، ۱۳۹۴، ص ۴۰)؛ بنابراین، انسان نخستین رسانه است؛ اما با گذشت زمان، وسایل ارتباطی از حد ارتباط انسان با انسان فراتر رفته و به ارتباط انسان با ابزارهای مصنوعی مبدل شده است. یکی از این ابزارها، دستگاه چاپ گوتنبرگ بود که اولین انقلاب اطلاعاتی را در جهان پدید آورد و موجب شد تا فرهنگ مغرب‌زمین راه جهانی شدن خود را هموار کند. برخی این دوره را دومین مرحله تاریخ می‌دانند، چون از نظر آنان تاریخ سه دوره است:

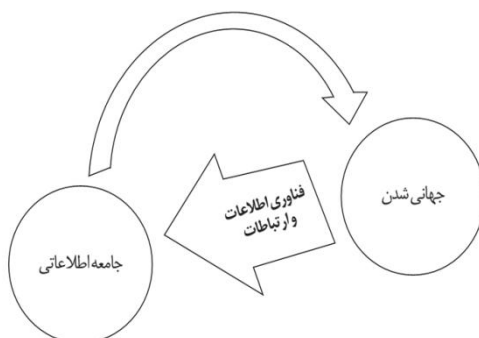
۱- مرحله شفاهی یا گفت‌وگوی رودررو به دلیل استفاده از هر پنج حس که سردترین رسانه است.

۲- مرحله اختراع چاپ به عنوان گرم‌ترین رسانه که به نظر مک‌لوهان، در این مرحله فرآیند قبیله‌گریزی آغاز می‌شود.

۳- اختراع تلویزیون که مقدمه‌ای برای تشکیل دهکده جهانی است (رزاقی، ۱۳۸۴، صص ۱۷-۱۸).

در واقع پس از اختراع رسانه‌های چاپی، در دوره بعد شاهد حضور انواع مختلفی از رسانه‌ها هستیم که به کهکشان الکترونیک یا مارکنی معروف هستند. حضور تلگراف، رادیو و تلویزیون از جمله رسانه‌های مورد استفاده برای انتقال اطلاعات به حساب آمدند. با حضور رایانه‌ها و اینترنت و دیگر رسانه‌ها امکان انتقال و تبادل اطلاعات ساده‌تر و ارزان‌تر شد و این عصر به عصر کهکشان رقومی معروف شد (بابایی و فهیمی فر، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵).

یکی از کارکردهای اساسی رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی از تحولات و وقایعی است که در محیط اجتماعی واقع می‌شوند. کارکرد اطلاع‌رسانی رسانه‌ها در جامعه شامل تأمین اطلاعات درباره رویدادها و شرایط موجود در جامعه و جهان می‌شود. یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین رسانه‌ها، اینترنت است. انتشار پرشتاب اینترنت، ماهواره و فناوری‌های دیجیتالی، ارتباط هم‌زمان میان بخش‌های وسیعی از جهان را ممکن ساخته است، در نتیجه بسیاری از کنترل‌های ملی اطلاعات بی‌اثر شده‌اند. امروزه شبکه‌های اجتماعی ساکن‌دار اقیانوس پرتلاطم اینترنت‌اند، شبکه‌های اجتماعی از گروه‌های عموماً فردی یا سازمانی تشکیل شده که از طریق یک یا چند نوع از وابستگی‌ها به هم متصل‌اند و در بستر یک جامعه اطلاعاتی پیچیده، کارکرد مؤثر شبکه همگرا را تصویر می‌کنند و موفقیت و محبوبیت روزافزون آن‌ها به دلیل داشتن رنگ‌وبوی اجتماعی است. شبکه‌های اجتماعی مجازی دو نقش اساسی را در تغییر سیاسی جامعه‌های امروزی بر عهده دارند؛ از یک سو فرهنگ توده را نشر می‌دهند و از سوی دیگر منبع تغذیه نخبگان جامعه با هدف نوآوری و ابداع هستند. رسانه‌های ارتباط جمعی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی، در عصر حاضر نقش عمده و مهمی را در عرصه تغییر و تحولات اجتماعی بر عهده دارند. یکی از کارکردهای ویژه رسانه‌ها و خصوصاً شبکه‌های اجتماعی مجازی، اطلاع‌رسانی و پوشش خبری است و سعی در جهت‌دهی به افکار عمومی به سمت اهداف خود را دارند (رحمان‌زاده، ۱۳۸۹، صص ۵-۱۵).



نمودار شماره ۱. رابطه فناوری اطلاعات و ارتباطات و دو مفهوم جهانی شدن و جامعه اطلاعاتی

بنابراین، رابطه میان فناوری اطلاعات و ارتباطات و مفهوم جهانی شدن دوسویه است. از یک سو فناوری اطلاعات و ارتباطات دامنه و تأثیرگذاری جهانی شدن را تشدید کرده است و از سوی دیگر جهانی شدن امور، اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات را به عنوان یکی از کامل‌ترین و ارزان‌ترین منابع اطلاعات و ارتباطات دوچندان کرده و به توسعه شگفت‌انگیز آن منجر شده است (نعمتی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۵).

۵. جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده در بستر جهانی شدن

امروزه دولت-ملت همچنان بازیگر اصلی حکومت جهانی و واسطه تأثیر فرآیندهای بین‌المللی و فراملی بر جمعیت‌های ملی است و به موضوعاتی که مردم حول آن‌ها بسیج می‌شوند و چگونگی سازمان‌دهی و اقدام آن‌ها و نتایج بسیج، شکل می‌دهد؛ اما بدیهی است که فرآیندهای جهانی نیز مستقیماً بر جنبش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند، به طوری که تمرکز تنها بر زمینه ملی که جنبش‌ها در آن عمل می‌کنند، کفایت نمی‌کند. به علاوه جنبش‌های اجتماعی فراملی خودشان یکی از جنبه‌های مهم جهانی شدن هستند، به طوری که توجه به این نکته نیز مهم است که چگونه آن‌ها در زمینه سیاست جهانی عمل می‌نمایند. حداقل از چهار جنبه باید جنبش‌های اجتماعی را در رابطه با جهانی شدن نظریه‌پردازی کرد:

- ۱- اول اینکه بسیاری از جنبش‌ها در ارتباط با مشکلات جهانی بسیج می‌شوند که مهم‌ترین آن‌ها جنبش زیست‌محیطی، جنبش صلح و جنبش زنان می‌باشند.

۲- دوم اینکه امکان برقراری مبادلات و آگاهی از مشکلات جهانی تا حد زیادی به وسیله دومین جنبه جهانی شدن، یعنی گسترش ارتباطات فراملی افزایش یافته است. این امر نه تنها باعث رسیدن خبرهای وقایع مناطق مختلف جهان به افراد و گروه‌ها می‌شود و آگاهی نسبت به مشکلات مکان‌های دیگر و پیوند متقابل در سراسر کره خاکی را افزایش می‌دهد، بلکه همکاری مشترک بین بخش‌های محلی یک جنبش را نیز تسهیل می‌کند و پیوندهای فراملی درون آن را محکم می‌سازد.

۳- سوم این‌که نوع مهاجرت توده‌ای در قرن بیستم نیز موجب تحریک جنبش‌های اجتماعی فراملی است. مسئله‌ای که بار دیگر به تسهیل فرآیند ارتباطات و توسعه حمل و نقل بین‌المللی ارتباط دارد این است که مهاجرانی که به کشورهای صنعتی غرب مهاجرت می‌کنند، معمولاً ارتباط نزدیک خود را با بستگان و هم‌میهنانشان حفظ می‌کنند.

۴- در نهایت زوال دولت-ملت‌ها به عنوان نهادهای سیاسی حاکم، برای مطالعه جهانی شدن و جنبش‌های اجتماعی اهمیت دارد. با توجه به این‌که خود زمینه ملی به گونه‌ای فزاینده تحت تأثیر روابط بین‌المللی و نهادهای فوق ملی قرار دارد، اهمیت فوق حتی در صورتی که دولت-ملت کانون اصلی فعالیت جنبش اجتماعی باقی بماند باز هم به قوت خود باقی است. جنبش‌های اجتماعی فراملی را می‌توان کمک‌کننده یک جامعه مدنی جهانی تلقی کرد که آن‌ها در این جامعه مدنی جهانی بر دولت‌های بین‌المللی، نهادهای سیاسی فوق ملی و سازمان‌های فراملی، نظیر شرکت‌های چندملیتی فشار وارد می‌کنند (نش، ۱۳۸۹، صص ۱۸۲-۱۸۶).

فرآیند جهانی شدن و شبکه‌ای شدن جامعه، موجب ظهور جنبش‌های معترض و مخالفی شده است که در مقابل شبکه‌ای شدن جامعه مقاومت می‌کنند. این جنبش‌ها علی‌رغم تفاوت‌هایشان، پایداری را به وجود می‌آورند که می‌توان از آن با عنوان «هویت‌های مقاومت» یاد کرد. این جنبش‌ها در واقع مقاومت‌هایی است که در مقابل پدیده جهانی شدن صورت می‌گیرد. این جنبش‌ها می‌تواند در مقابل جهانی‌سازی اقتصاد باشد یا در مقابل پیامدهای جهانی شدن. برخی دیگر برآن‌اند که جهانی شدن سمت و سوی جنبش‌های اجتماعی را تغییر داده است و برخلاف جنبش‌های کلاسیک که بیشتر طبقاتی بودند و معطوف به ارزش‌های گروهی و یا معطوف به ساختار سیاسی بودند، جنبش‌های جدید رنگ‌وبویی بیشتر فرهنگی دارند و معطوف به سیاست زندگی‌اند. از سویی دیگر این جنبش‌ها دیگر محدود به قلمرو و

مرزهای دولت-ملت‌ها نیستند و عرصهٔ بروزشان بسیار گسترده‌تر از قلمرو دولت-ملت است (نصرتی‌نژاد، ۱۳۸۳، صص ۱۴۶-۱۴۷). به تعبیری دیگر، فرآیندهای فراملی و جهانی شدن، دولت-ملت‌ها را از پرداختن به امور عمومی ناتوان ساخته و لذا امیدی به تداوم دموکراسی در سطح ملی نیست و باید در سطح جهانی برای ایجاد آن کوشید. در عصر جهانی شدن، بحران دولت-ملت موجب بازتولید دولت‌های محلی می‌شود که از توانایی پاسخ‌گویی سریع‌تری به خواسته‌های جامعه برخوردارند. دولت محلی می‌تواند بستر لازم را برای مشارکت مستقیم شهروندان فراهم کند و گروه‌های مختلف را در درون خود جای دهد و نتیجتاً دموکراسی واقعی را تقویت نماید. در همین چارچوب مفهوم «سیاست‌های فرعی»، به دور شدن از کنش‌های دموکراتیک مبتنی بر سازوکارهای سیاسی سنتی و فضای سیاسی شیء‌گشته اشاره دارد و برخیزش جنبش‌های جدید از سطوح پایین جامعه و ایجاد دموکراسی واقعی تأکید می‌کند (رشیدی، ۱۳۸۶، صص ۱۲۵-۱۳۲).

یکی از مهم‌ترین عوامل جهانی شدن جنبش‌های اجتماعی، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی است. فناوری‌های نوین ارتباطی در دههٔ ۱۹۹۰، به افزایش قدرت جنبش‌های اجتماعی جدید، در شکل‌دهی و هدایت افکار عمومی جهانی، اعتراض‌ها و ایجاد چالش‌های جدی برای حکومت‌ها انجامیده‌اند، چنان‌که می‌توان گفت جنبش‌های اجتماعی جدید، مانند طرفداران محیط‌زیست که تأثیر مخرب جهانی شدن مهار نشده را فریاد می‌زنند و پشتیبانان اجتماع‌های بومی مختلف که نسبت به نابودی خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های کوچک در برابر موج فراگیر جهانی شدن هشدار می‌دهند (قرلسفلی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳) و با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید رسانه‌ای، نقش بسیار مهمی در تحولات جامعهٔ مدنی جهانی، ایفا می‌کنند. با وقوع پدیدهٔ جهانی شدن، به‌ویژه پیدایش ماهواره‌ها و اینترنت که از ابزارهای مهم آن هستند، بسترهای اولیهٔ نوعی جامعهٔ مدنی جهانی فراهم شده است که با سرعت قابل توجهی، در جهان توسعه‌یافته و تا حدی در جهان در حال توسعه رو به گسترش است. جنبش‌های اجتماعی جدید و سازمان‌های غیردولتی، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، از اجزا و بازیگران مهم جامعهٔ مدنی جهانی به شمار می‌روند؛ بنابراین در عصر جدید، ضرورت دارد که دولت‌ها با جامعهٔ مدنی در هر دو حوزهٔ سرزمینی-ملی و جهانی به تعامل بپردازند و در قبال چالش‌ها و مطالبات آن‌ها مسئولیت‌پذیر باشند (سردارنیا، ۱۳۸۸، صص ۱۵۱-۱۵۲).

از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، جنبش‌های اجتماعی جدید، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های اجتماعی-سیاسی با حضور در فضای مجازی از طریق استفاده از اینترنت و ماهواره، شهروندان معترض به سیاست‌های محلی، ملی و جهانی را بسیج کرده‌اند و به این ترتیب چالش‌ها و مخالفت‌هایی جدی، برای حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی ایجاد کرده‌اند. اینترنت، از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، با بسیج اعتراض‌های جهانی، در موفقیت جنبش‌های اجتماعی جدید تا حد زیادی تأثیرگذار بوده است. اینترنت به دلیل برخورداری از قابلیت‌هایی همچون وب‌گاه‌ها، گروه‌های خبری، پست الکترونیک و ظرفیت بالای شبکه‌سازی می‌تواند در موفقیت جنبش‌های اجتماعی جدید در زمینه بسیج و گسترش اعتراض‌های جهانی تأثیرگذار باشد (سردارنیا، ۱۳۸۸، صص ۱۵۳-۱۵۴). در این راستا گیدنز بیش از هر چیزی، جهانی شدن را حاصل انقلاب ارتباطات می‌داند، در واقع او جهانی شدن را حاصل به هم خوردن نظم سنتی فضا و زمان می‌داند. این فضا و زمان جداشده از مکان در گستره‌ای نامتناهی با یکدیگر ترکیب و هماهنگ می‌شود و امکان کنش و روابط اجتماعی را در جامعه‌ای بسیار بزرگ‌تر فراهم می‌آورد، لذا گستره تأثیرپذیری اجتماعی هم بسیار فراخ‌تر شده و جامعه‌ای جهانی شکل می‌گیرد. جهانی شدن به انواع پیوند و رابطه فرد با این جامعه جهانی معطوف است (قرلسفلی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۰).

در سال‌های اخیر، با ظهور آنچه «خودارتباطی توده‌ای» نامیده می‌شود، ارتباطات بزرگ مقیاس، دگرگونی فنی و سازمانی عمیقی را تجربه کرده است. این خودارتباطی توده‌ای مبتنی است بر شبکه‌های ارتباطی تعاملی و چندسویه در اینترنت و حتی بیشتر از آن در شبکه‌های ارتباطی بی‌سیم که اکنون در همه جا سکوها و پلتفرم‌های ارتباطی رایج هستند. در این زمینه جدید و در کانون جامعه شبکه‌ای به‌عنوان یک ساختار اجتماعی جدید است که جنبش‌های اجتماعی قرن بیست و یک شکل می‌گیرند (کاستلز، ۱۳۹۳، صص ۱۸۵-۱۸۶). با پیدایش اینترنت و ارتباطات دوربرد رایانه‌ای و گسترش آن، نوعی حوزه عمومی مجازی در فضای سایبرنتیکی شکل گرفته است. مدافعان محیط‌زیست، حقوق بشر، صلح، زنان و اقلیت‌ها و مخالفان سرمایه‌داری نولیبرال، از نمونه‌های بارز جنبش‌های اجتماعی جدید هستند که در فضای سایبرنتیکی حضور برجسته‌ای دارند. اینترنت برای جنبش‌های اجتماعی جدید

کارکردهای مهمی شامل شناختی و تبلیغاتی، هویت‌سازی، شبکه‌سازی و سازمان‌دهی اعتراضات داشته است که در اینجا به آن‌ها اشاره خواهیم داشت:

الف. کارکرد شناختی و تبلیغاتی: از ویژگی‌های مهم اینترنت، سرعت بسیار بالای آن در انتقال اطلاعات و گزارش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. همچنین اینترنت به‌عنوان ابزرسانه، ابزار بسیار مهمی برای تبلیغ و اشاعه باورهای کنشگران اجتماعی به شمار می‌رود.

ب. هویت‌سازی: ایجاد هویت، مقدم بر کنشگری، سازمان‌دهی و اعتراض است. اینترنت از ظرفیت بالایی برای ایجاد هویت جمعی برخوردار است. با برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات و باورها در فضای سایبرنتیکی است که هویت‌های فردی و گروهی برخوردار از باورهای مشترک، می‌توانند یک جنبش اجتماعی را تشکیل دهند.

پ. شبکه‌سازی و ایجاد ائتلاف: یکی از کارکردهای بسیار مهم اینترنت، شبکه‌سازی و سازمان‌دهی فعالان و هواداران در درون جنبش‌های اجتماعی است. اینترنت با استفاده از فرصت‌ها و امکانات فنی- ارتباطی به سازمان‌دهی اعتراض‌ها می‌پردازد. اینترنت از سلسله‌مراتب سازمانی جنبش‌ها می‌کاهد، آن‌ها را انعطاف‌پذیرتر می‌سازد و در را به روی فعالان و هواداران آنان بازتر و امکان اظهارنظر آنان را در سطح جهانی فراهم می‌کند.

ت. سازمان‌دهی اعتراضات: اینترنت با اطلاع‌رسانی سریع درباره مسائل حاد جامعه بشری، انتقال نمادهای اعتراضی و تحریک احساسات، به کنش‌های اعتراضی گسترده دامن زده است. جنبش‌های اجتماعی با استفاده از قابلیت‌های اینترنت همچون پیام‌نگارها، گردهمایی‌های اینترنتی، ارتباطات دوسویه با فعالان، وب‌گاه‌ها و گروه‌ها و نشریات خبری و... توانسته‌اند تا حد زیادی بر بسیج رفتارهای اعتراضی تأثیرگذار باشند (سردارنیا، ۱۳۹۰، صص ۲۶۲-۲۶۴).

جهانی شدن در تداوم حرکت مدرنیته پدیده «به هم مربوطبودگی» را پیش می‌آورد. در این حالت جهانی شدن، شبکه‌ای به‌سرعت گسترش‌یابنده و همواره در حال تراکم از پیوندها و وابستگی‌های متقابل است که وجه مشخصه زندگی مدرن به شمار می‌رود. این حالت از تجدد به خروج افراد و دولت‌ها از حالت درون‌گرایانه و متکی به یک منطقه خاص به سمت وسوی یک هویت برون‌گرایانه و فراسرزمینی می‌شود. یک پیامد این وضعیت آن است که کناره‌گیری انسان‌ها، کشورها و شرکت‌ها کاهش یافته و وابستگی متقابل و میزان

تأثیرپذیری افراد و جوامع از همه بیشتر می‌شود. از دیگر تأثیرات این تحولات آن است که کنترل‌ناپذیری در سطح جهانی گسترش می‌یابد. پیامد و تأثیر دیگر آن افزایش رابطه‌های محلی - جهانی است که این شکل مناسبات اجتماعی را عوض می‌کند. پدیده جهانی شدن خاستگاه و بازتعریف روابط اجتماعی جهانی است و بر این اساس رویداد محلی ممکن است تحت تأثیر رویدادهای دیگری قرار بگیرد که فاصله بسیار زیادی از آن دارد. این همانا ورود به جامعه جدیدی است که از آن به عنوان «جامعه ریسک» نام می‌برند، وضعیتی که مشخصه آن افزایش خطرهای مشترک جهانی است (قزلسفلی، ۱۳۹۰، صص ۲۲۰-۲۲۱).

۶. مورد کاوی پژوهش؛ جنبش تسخیر وال استریت

۶-۱. زمینه‌های پیدایش جنبش تسخیر وال استریت

وال استریت نام خیابانی در بخش جنوبی شهر منهن در ایالت نیویورک آمریکا است که به نماد بازارهای مالی آمریکا و جهان تبدیل شده است و تأثیر به‌سزایی در اقتصاد جهانی دارند. «وال استریت را تسخیر کنید» یک جنبش مردمی است که در ۱۷ سپتامبر سال ۲۰۱۱ و از میدان آزادی در بخش مالی منهن نیویورک آغاز شد و فعالیت‌هایش در بیش از ۱۰۰ شهر ایالات متحده و ۱۵۰۰ شهر در سراسر دنیا پخش گردید. هدف اصلی جنبش مبارزه با قدرت اجبارآمیز بانک‌های اصلی و شرکت‌های چندملیتی از طریق فرآیندهای دموکراتیک و نقش وال استریت در ایجاد بحران اقتصادی که باعث بزرگ‌ترین رکود در طول چندین نسل شده است، می‌باشد (Schechter, 2011, p.22). آغاز این جنبش با یک فراخوان بود که توسط یک گروه کانادایی با عنوان اکتیویسم ادباسترز، تحت عنوان «تسخیر صلح‌آمیز وال استریت» بیان شد و به یک‌باره فراگیر شد. این گروه بیش از هر چیز به خاطر مجله ضد مصرف‌گرای خود (Ad Busters) معروف بود. مجله ادباسترز تنها با یک درخواست ساده، جنبشی برای ساختن یک آمریکای جدید به راه انداخت. مدل اعتراضی جنبش وال استریت، آرام و به صورت استقرار شبانه‌روزی در حوالی ساختمان‌ها و پارک‌های نزدیک نمادهای سرمایه‌داری آمریکا بوده و به تدریج به سایر مراکز کشیده شده است (امین صارمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹). در آغاز، ناگهان بازار املاک سقوط کرد. صدها هزار تن خانه‌هایشان را و میلیون‌ها تن بخش بزرگی از ارزشی را که عمرشان را بر سر آن گذاشته بودند از دست دادند. سپس نظام مالی در نتیجه

احتکار و حرص و طمع مدیرانش به آستانه سقوط رسید. همان‌هایی که بعد با پول مالیات‌دهندگان نجات پیدا کردند اما عادت دریافت پاداش‌های میلیونی را برای عملکرد ناشیانه‌شان فراموش نکردند. شرکت‌های مالی باقی‌مانده وام‌دهی را قطع کردند و بنابراین هزاران شرکت تعطیل شد، میلیون‌ها شغل از بین رفت و دستمزدها ناگهانی کاهش یافت. هیچ‌کس پاسخ‌گو نبود. هر دو حزب اصلی کشور، نجات نظام مالی را اولویت خود قرار دادند (کاستلز، ۱۳۹۳، ص ۱۳۶).



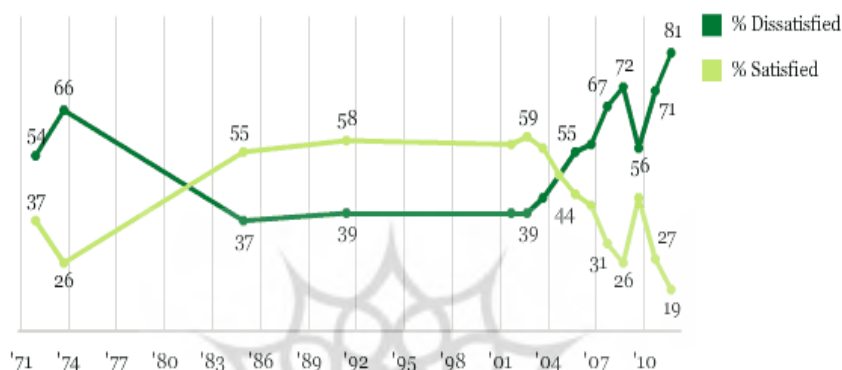
نمودار شماره ۲. حداکثر سهم یک‌درصدی درآمدهای قبل از مالیات (نادری، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶)

در واقع، سهم ۱ درصد ثروتمند جامعه آمریکا از درآمد کشور، از حدود ۹ درصد در سال ۱۹۷۶ به ۲۳/۵ درصد در سال ۲۰۰۷ جهش یافته بود. رشد بهره‌وری کل بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۸ به حدود ۳۰ درصد رسید اما دستمزدهای واقعی در طول این دهه فقط ۲ درصد افزایش یافت. صنعت مالی بیشترین سود بهره‌وری را از آن خود کرد؛ تا آنجا که سهمش از سودهای به‌دست‌آمده از ۱۰ درصد در دهه ۱۹۸۰ به ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۷ افزایش یافت و علی‌رغم استخدام فقط ۵ درصد نیروی کار، ارزش سهامشان از ۶ درصد به ۲۳ درصد افزایش یافت. در واقع ۱ درصد بالادستی، ۵۸ درصد رشد اقتصادی این دوره را به خود اختصاص داد. در دهه پیش از بحران، دستمزدهای واقعی ساعتی، فقط تا ۲ درصد افزایش یافت؛ در حالی که درآمد ۵ درصد ثروتمند جامعه تا ۴۲ درصد افزایش پیدا کرد. سال ۱۹۸۰،

درآمد یک مدیرکل ۵۰ برابر درآمد یک کارگر معمولی بود، اما این رقم در سال ۲۰۱۰ به ۳۵۰ برابر رسید (کاستلز، ۱۳۹۳، صص ۱۳۶-۱۳۷).

Reaction to How the Nation Is Being Governed

On the whole, would you say you are satisfied or dissatisfied with the way the nation is being governed?



GALLUP

نمودار شماره ۳. میزان نارضایتی از عملکرد دولت آمریکا

برخی نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که نارضایتی از عملکرد دولت آمریکا در سال‌های اخیر، بی‌سابقه است. نتایج یکی از نظرسنجی‌های مؤسسه گالوپ که در سال ۲۰۱۱ انجام شده است؛ نارضایتی از عملکرد دولت آمریکا در سال‌های اخیر را نشان می‌دهد. بر اساس این نظرسنجی ۸۱ درصد از مردم آمریکا از نحوه اداره کشورشان رضایت ندارند. این نظرسنجی بالاترین میزان نارضایتی از روش اداره آمریکا را در چهل سال گذشته نشان می‌دهد. همچنین بر مبنای این نظرسنجی، ۸۲ درصد مردم آمریکا از عملکرد کنگره نیز رضایت ندارند (Saad, 2011).

۲-۶. ماهیت و مطالبات جنبش تسخیر وال استریت

معترضان قیام سرمایه‌داری آمریکا موسوم به جنبش تسخیر وال استریت در یک پاراگراف در وب‌گاه رسمی این جنبش، خود را این‌گونه معرفی می‌کنند: «جنبش تسخیر وال استریت، مقاومتی فاقد رهبر با مردمانی از رنگ‌ها، جنسیت و تفکرات سیاسی گوناگون است. آنچه در میان همه ما مشترک است، اینکه ما همه ۹۹ درصد هستیم که بیش از این فساد و نفوذ یک

درصد شبکه‌های تجاری را تحمل نمی‌کنیم» (کوهکن و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۲). آنچه به‌راستی در ارزیابی تأثیر سیاسی یک جنبش اجتماعی مهم است، تأثیر آن بر آگاهی مردم است. در نتیجه این جنبش و بحث‌هایی که در اینترنت و رسانه‌های جریان اصلی تولید شد، مسئله نابرابری اجتماعی که با تضاد بین ۹۹٪ و ۱٪ تصویر شده بود، به خط مقدم گفتمان عمومی راه پیدا کرد (کاستلز، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵).

جنبش وال‌استریت، خصلتی ساختارشکنانه ندارد و اعتراضی همگانی به بی‌عدالتی، تبعیض و بحران اقتصادی ناشی از حاکمیت سرمایه‌داری و نولیبرالیسم در آمریکا و اروپا است. همچنین این جنبش‌ها خود محصول نظام جهانی سرمایه‌داری هستند که بر اساس دیالکتیک قدرت، از درون این نظام و با گفتمانی برگرفته از قدرت طبقات متوسط، در متن صورت‌بندی جدید شکل گرفته و نظام موجود را به چالش کشیده است (امین‌صارمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹). جنبش وال‌استریت را می‌توان واکنشی نسبت به نولیبرالیسم اقتصادی میلتن فریدمن دانست. فریدمن تلاش داشت تا گذار از بحران اقتصادی در نظام سرمایه‌داری را از طریق نقش شرکت‌های چندملیتی در سازمان‌دهی بازارهای منطقه‌ای تبیین نماید. بر اساس نگرش فریدمن، زمینه برای شکل‌گیری فرآیند معطوف به حکمرانی جهانی، جهانی‌سازی اقتصادی و جهانی‌سازی سیاست فراهم شد. جنبش وال‌استریت واکنشی نسبت به نگرش نولیبرال در اقتصاد سرمایه‌داری محسوب می‌شود. اقتصادی که کشورهای آمریکا، آلمان، فرانسه و ایتالیا محور آن محسوب می‌شوند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۶۱).

جنبش اشغال وال‌استریت در یکی از شعارها یعنی شعار «ما ۹۹ درصد هستیم»، ستایش‌ها را برای بازیابی جسورانه‌شان در مورد فضای عمومی و تمرکز دوباره به روی تحلیل‌های طبقاتی در آمریکای شمالی به دست آوردند. جنبش اشغال جدیدترین نسخه از موج‌های اخیر مقاومت علیه ریاضت اقتصادی نولیبرال که به دنبال بحران اقتصادی ۲۰۰۸ آغاز شده است، می‌باشد (Kilibarda, 2012, p.24). جنبش وال‌استریت را می‌توان واکنشی نسبت به الگوی مبتنی بر حکمرانی جهانی دانست. اگرچه جهانی‌سازی از اوایل دهه ۱۹۹۰ گسترش یافت، اما پیامدهای آن را می‌توان دو دهه بعد از زمانی مورد آزمون قرار داد که فوکویاما عصر پیروزی لیبرال-دموکراسی بر سایر ایدئولوژی‌های رقیب را اجتناب‌ناپذیر می‌دانست. جنبش اعتراض نسبت به موج جهانی‌شدن و فرآیند حکمرانی جهانی از سال ۱۹۹۳ شروع شد.

جنبش وال استریت بیانگر آن است که جهانی شدن اقتصاد نه تنها برای کشورهای در حال توسعه مخاطره آمیز خواهد بود، بلکه می توان آثار و پیامدهای آن را برای گروه های اجتماعی فرودست در جهان سرمایه داری نیز مورد ملاحظه قرار داد (مصلی نژاد، ۱۳۹۰، ص ۶۱).

به طور کلی، خواسته های معترضان در جنبش وال استریت را می توان مواردی از قبیل بالا بردن مالیات ثروتمندان، حمایت از اتحادیه گرایی در تجارت، حمایت از بیمه درمان و اجتماعی، اعمال نظارت و حسابرسی بر بانک مرکزی و یا حذف آن، از بین بردن صنایع نظامی و خاتمه دادن به همه جنگ ها، پایین آمدن هزینه های درمانی، توزیع ثروت، ایفای نقش مؤثرتر دولت برای بهبود شرایط اجتماعی و هم سطح کردن جامعه دانست. این جنبش به دنبال تشکیل نظام پایدار اقتصادی و سیاسی در آمریکا بود و دو بُعد داخلی و بین المللی داشت که در بُعد داخلی خواهان پایان دادن به تأثیر پول در سیاست این کشور بود و در بُعد بین المللی مبارزه با حاکمیت شرکت های بزرگ و سرمایه داران بر نظام اقتصاد جهانی را دنبال می کرد (هرسیج و دیگران، ۱۳۹۲، صص ۱۵۸-۱۵۹). این اعتراضات بیش از آن که اعتراضی با ماهیت اقتصادی و یا با اهداف موقت سیاسی باشند، بیشتر به دنبال کاهش نفوذ سرمایه داران و احیای دموکراسی واقعی در آمریکا هستند (سمیعی اصفهانی و میرالی، ۱۳۹۳، ص ۴۵۸).

۳-۶. ویژگی های جنبش تسخیر وال استریت

اولین ویژگی مهمی که در جنبش وال استریت به چشم می خورد، فرآیند تسری آن به دیگر نقاط جهان است. گسترش جغرافیایی سریع جنبش، بازتاب پخش ویروسی آن در اینترنت بود. این جنبش در اینترنت زاده شد، توسط اینترنت پخش شد و حضورش را در اینترنت حفظ کرد، چنان که بیشتر اشغال ها، وب گاه ها و گروه های ویژه و دیگر شبکه های اجتماعی خاص خودشان را ایجاد کردند (کاستلز، ۱۳۹۳، صص ۱۴۸-۱۴۹). رسانه های اینترنتی شدن این جنبش مانع از تلافی جویی افراطی و تند حکومت شد. شبکه اینترنت برای جنبش وال استریت در جامعه آمریکا، یک رسانه ملی و بین المللی فراهم کرد و افکار عمومی جهانی را در هواداری از جنبش و در مخالفت با حکومت و نظام سرمایه داری موجود بسیج کرد و به عبارت بهتر موضوع جنبش وال استریت را جهانی ساخت و به دادگاه افکار عمومی جهانی کشاند. یکی از مهم ترین امکانات در محیط اینترنت، شبکه های اجتماعی مجازی است که نقش بسیار مهمی در جهانی

شدن جنبش وال‌استریت داشت و به نظر می‌رسد که رسانه‌هایی مانند «YouTube»، به انتقاد از رسانه‌های جریان اصلی در مواجهه آن‌ها از نمایش معترضان و چارچوب‌بندی گزارشگری آن‌ها از اهداف جنبش اشغال وال‌استریت و پاسخ مقامات در شهرهای مختلف اشغال‌شده توسط جنبش، پرداختند (Hass, 2012). در واقع، جنبش وال‌استریت دریافت که تنها راه موفقیت و رسیدن به اهداف، کسب هواداری و پشتیبانی جهانی است. به‌زعم نویسندگان، جنبش وال‌استریت، مصداق عینی استفاده رادیکال و گسترده از اینترنت است که می‌توان صحت آن را با تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از تحقیقات هکتور گِزمن که از طریق ایجاد ممیزی و مسیریابی سطح ترافیکی وب‌گاه اصلی اعتراض‌کنندگان یعنی «OccupyWallst.Org» حاصل شده است، به دست آورد.

جدول شماره ۲. آیا شما استفاده مرتب از فیس‌بوک می‌کنید؟

درصد توأکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	ممیزی
۴۳/۵	۴۳/۵	۳۸/۵	۷۲۷	خیلی موافق
۶۶/۴	۲۲/۹	۲۰/۳	۳۸۳	تا حدی موافق
۷۳/۵	۷/۱	۶/۲	۱۱۸	نه موافق نه مخالف
۸۱/۶	۸/۱	۷/۱	۱۳۵	تا حدی مخالف
۱۰۰/۰	۱۸/۴	۱۶/۳	۳۰۸	خیلی مخالف
-	۱۰۰/۰	۸۸/۴	۱۶۷۱	مجموع
-	-	۱۱/۶	۲۱۹	نظام از دست‌رفته
-	-	۱۰۰/۰	۱۸۹۰	مجموع

(Guzman, 2011, p.10)

جدول شماره ۳. آیا شما استفاده مرتب از توئیتر می کنید؟

میزی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
خیلی موافق	۲۳۵	۱۲/۴	۱۴/۱	۱۴/۱
تا حدی موافق	۲۴۸	۱۳/۱	۱۴/۸	۲۸/۹
نه موافق نه مخالف	۱۶۴	۸/۷	۹/۸	۳۸/۷
تا حدی مخالف	۲۴۹	۱۳/۲	۱۴/۹	۵۳/۶
خیلی مخالف	۷۷۵	۴۱/۰	۴۶/۴	۱۰۰/۰
مجموع	۱۶۷۱	۸۸/۴	۱۰۰/۰	-
نظام از دست رفته	۲۱۹	۱۱/۶	-	-
مجموع	۱۸۹۰	۱۰۰/۰	-	-

(Guzman, 2011, p.11)

جدول شماره ۴. آیا شما استفاده مرتب از یوتیوب می کنید؟

میزی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
خیلی موافق	۵۹۹	۳۱/۷	۳۵/۸	۳۵/۸
تا حدی موافق	۶۳۶	۳۳/۷	۳۸/۱	۷۳/۹
نه موافق نه مخالف	۲۲۴	۱۱/۹	۱۳/۴	۸۷/۳
تا حدی مخالف	۱۳۱	۶/۹	۷/۸	۹۵/۲
خیلی مخالف	۸۱	۴/۳	۴/۸	۱۰۰/۰
مجموع	۱۶۷۱	۸۸/۴	۱۰۰/۰	-
نظام از دست رفته	۲۱۹	۱۱/۶	-	-
مجموع	۱۸۹۰	۱۰۰/۰	-	-

(Guzman, 2011, p.11)

بر اساس جداول ۲، ۳ و ۴ تقریباً ۶۶/۴ درصد نمونه تا حدی یا به میزان زیادی موافق اند که به صورت مرتب از فیس بوک استفاده می کنند، حدود ۲۸/۹ درصد نمونه، تا حدی یا به میزان زیادی، موافق اند که مرتباً از توئیتر استفاده می کنند و حدود ۷۳/۹ درصد نمونه تا حدی یا به میزان زیادی موافق هستند که مرتباً از یوتیوب استفاده می کنند. گزمان در خاتمه نتیجه می گیرد که ۹۹ درصد جنبش وال استریت از اینترنت نشئت می گیرد یا به نظر می رسد که ۹۹

درصد جنبش از اینترنت می‌آید (Guzman, 2011, p.11). در واقع، جنبش اشغال وال‌استریت دیجیتال متولد شد. فریاد خشم و فراخوان برای اشغال از وبلاگ‌های گوناگون برآمد و در فیس‌بوک گذاشته شد و توسط توئیتر و یوتیوب گسترش یافت (کاستلز، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱).

دومین ویژگی جنبش وال‌استریت، غیاب آگاهانه رهبری رسمی بود. این جنبش هیچ رهبری نداشت، نه رهبر محلی نه ملی و نه جهانی. بی‌رهبری، اصل بنیادین بود که در هر مرحله که شخصی تلاش می‌کرد نقشی برجسته بر عهده گیرد، با حداکثر عزم و اراده توسط بسیاری از اشغال‌کنندگان اعمال می‌شد. اصل بی‌رهبری حقیقتاً آزمونی در سازمان‌دهی جنبش اجتماعی بود. در جنبش اشغال، هیچ‌گونه رهبری سنتی، هیچ‌گونه رهبری فکری و هیچ‌گونه رهبری کاریزماتیکی وجود نداشت؛ و مطمئناً هیچ‌گونه رهبری شخصی هم وجود نداشت. یک رشته کارکردهای رهبری وجود داشت اما آن‌ها نیز به صورت محلی از طریق یک مجمع عمومی اعمال می‌شد که به طور منظم در فضای اشغال شده تشکیل جلسه می‌داد. هم‌چنین یک رشته کارکردهای هماهنگ‌کننده وجود داشت که به شکل‌گیری تصمیم‌های جمعی کمک می‌کردند. این کارکردها نیز توسط شبکه‌های مشورت مکرر در اینترنت به انجام می‌رسیدند (کاستلز، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰)؛ بنابراین، به‌عنوان یک جنبش بی‌سر و یا بدون رهبر مطرح می‌شود که در آن هر یک از گروه‌های طرفدار جنبش، به صورت خودمختار و خودجوش به ارائه برنامه و هدایت جنبش می‌پردازند. البته عدم وجود رهبری واحد در جنبش وال‌استریت، یک ضعف برای این جنبش به حساب می‌آید که مانع از یکپارچگی و انسجام در جنبش می‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های جنبش وال‌استریت، تنوع و تکثر موجود در این جنبش است. ظهور جنبش وال‌استریت در متن صورت‌بندی جدیدی شکل گرفت و نمادهای تازه‌ای از کنش‌های اجتماعی و سیاسی را مطرح کرد. در این جنبش، یک قدرت واحد همانند یک طبقه، صنف یا قشر و یا شبکه متمرکزی وجود نداشت، بلکه این شبکه‌های متکثر گروه‌ها و حتی متضاد اجتماعی بودند که جنبش را شکل دادند. این جنبش دارای افقی باز و گسترده، حول گفتمان ضد سرمایه‌داری و بی‌عدالتی‌های جامعه آمریکا بود و بنابراین وجهه بارز آن ائتلافی بی‌شکل، نامشخص و نامحدود طیفی از اندیشه‌های متنوع و حتی متضاد بود (جمشیدی‌ها و حسین‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۹۰).

جنبش وال استریت ویژگی‌های دیگری هم دارد که می‌توان آن را جزء جنبش‌های اجتماعی جدید محسوب کرد. در این جنبش، آگاهی از سطح نخبگان به سطح توده حرکت کرده است؛ یعنی نقش اصلی در جنبش را توده‌ها بر عهده دارند، نه نخبگان. این وضعیت در دوره پست‌مدرن رخ داده است که در نتیجه گسترش اطلاعات و ارتباطات، سیاست توده‌ای شکل گرفته است که به معنای کاهش نقش احزاب در سازمان‌دهی جامعه است؛ به عبارت دیگر، آگاهی از سطح نخبگان به سطح توده‌ها رسیده است و مردم شکاف‌ها را لمس کرده‌اند. همچنین در جنبش وال استریت، ریسک‌پذیری مردم بالا رفته است، درحالی‌که قبلاً این‌گونه نبوده است. قبلاً ممکن است آگاهی بالا بوده باشد، اما ریسک‌پذیری بالا نبود؛ اما در این جنبش مردم برای تغییر، قدرت ریسک‌پذیری دارند و هر نوع سختی را در رسیدن به اهداف خود تحمل می‌کنند (هرسیج و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹).

۶-۴. تبیین ساختاری جنبش تسخیر وال استریت

هکتور گزمن با تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از ممیزی‌های ایجادشده در وب‌گاه رسمی جنبش وال استریت، به نتایج مهمی در ارتباط با جنبش دست پیدا کرد که در تبیین جنبش وال استریت از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و در اینجا برخی از آن‌ها در قالب برخی توضیحات و چند جدول بیان می‌شود. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از ممیزی در وب‌گاه رسمی جنبش وال استریت، به لحاظ سنی ۲۴/۴ درصد پاسخ‌گویان بین سن ۱۸-۲۴ سال بودند. ۳۷/۹ درصد بقیه، بین سن ۲۵-۳۴ سال بودند. تقریباً ۶۴/۲ درصد پاسخ‌گویان کمتر از ۳۴ سال داشتند. بیش از $\frac{1}{3}$ پاسخ‌گویان یا ۳۵/۸ درصد، بیش از ۳۵ سال سن داشتند. درحالی‌که نمونه نسبتاً جوان است و $\frac{1}{5}$ پاسخ‌گویان بیش از ۴۵ سال داشتند. ممیزی همچنین نشان می‌داد که ۹۲/۵ درصد پاسخ‌گویان به میزان زیادی یا تا حدی، از اعتراض رسمی (تظاهرات) حمایت کردند. تقریباً ۴/۶ درصد نمونه، گفتند که نه موافق و نه مخالف‌اند و حدود ۲/۹ درصد دیگر تا حدی یا به میزان زیادی مخالف اعتراض شورشی وال استریت بودند. بر اساس داده‌ها از لحاظ محل سکونت، ۳۷/۸ درصد پاسخ‌گویان در شهرهای بزرگ و مهم، ۲۸/۷ درصد دیگر در شهرها، ۲۲/۷ درصد نمونه در شهرهای کوچک و حومه و ۸/۸ درصد در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. در مورد وضعیت استخدامی

پاسخ‌گویان باید گفت که تقریباً ۵۰/۴ درصد کار تمام‌وقت، ۲۰/۴ درصد کار نیمه‌وقت، ۱۳/۱ درصد نمونه بی‌کار، حدود ۲/۶ درصد پاسخ‌گویان بازنشسته، ۱/۳ درصد معلول، ۲/۶ درصد خانه‌دار و ۹/۷ درصد به‌صورت تمام‌وقت در حال تحصیل بودند (Guzman, 2011, pp.1-4).

جدول شماره ۵. میزان تحصیلات شما چقدر است؟

میزی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
هیچ آموزشی ندیدید	۵	۰/۳	۰/۳	۰/۳
آموزش مدرسه	۹	۰/۵	۰/۶	۰/۹
آموزش دبیرستان	۱۱۰	۵/۸	۷/۰	۷/۹
تحصیل دانشگاهی بدون مدرک	۴۳۱	۲۲/۸	۲۷/۴	۳۵/۳
مدرک دانشگاهی لیسانس	۵۵۰	۲۹/۱	۳۵/۰	۷۰/۳
تحصیل در مدرسه بدون مدرک	۱۲۹	۶/۸	۸/۲	۷۸/۵
مدرک مدرسه دیپلم	۳۳۷	۱۷/۸	۲۱/۵	۱۰۰/۰
مجموع	۱۵۷۱	۸۳/۱	۱۰۰/۰	-
نظام ازدست‌رفته	۳۱۹	۱۶/۹	-	-
مجموع	۱۸۹۰	۱۰۰/۰	-	-

(Guzman, 2011, p.6)

بر اساس جدول شماره پنج، ۳۵ درصد نمونه مدرک دانشگاهی دارند و ۸/۲ درصد در مدرسه تحصیل کرده‌اند اما مدرک ندارند و تقریباً ۲۱/۵ درصد دیپلم دارند و ۲۷/۴ درصد تحصیل دانشگاهی بدون مدرک دارند و این نمونه به میزان زیادی تحصیل کرده است.

جدول شماره ۶. میزان درآمد شما چقدر است؟

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	ممیزی
۴۷/۵	۴۷/۵	۳۹/۵	۷۴۷	کمتر از ۲۴/۹۹۹ دلار
۷۱/۵	۲۴/۰	۱۹/۹	۳۷۷	۴۹/۹۹۹ - ۲۵/۰۰۰ دلار
۸۷/۰	۱۵/۴	۱۲/۸	۲۴۲	۷۴/۹۹۹ - ۵۰/۰۰۰ دلار
۹۳/۵	۶/۶	۵/۴	۱۰۳	۹۹/۹۹۹ - ۷۵/۰۰۰ دلار
۹۸/۰	۴/۵	۳/۷	۷۰	۱۴۹/۰۰۰ - ۱۰۰/۰۰۰ دلار
۹۹/۲	۱/۳	۱/۱	۲۰	۲۴۹/۹۹۹ - ۱۵۰/۰۰۰ دلار
۱۰۰/۰	۰/۸	۰/۶	۱۲	۲۵۰/۰۰۰ دلار به بالا
-	۱۰۰/۰	۸۳/۱	۱۵۷۱	مجموع
-	-	۱۶/۹	۳۱۹	نظام از دست رفته
-	-	۱۰۰/۰	۱۸۹۰	مجموع

(Guzman, 2011, p.8)

جدول شماره شش، درآمد افراد نمونه را نشان می‌دهد که در آن تقریباً ۷۱/۵ درصد نمونه کمتر از ۵۰ هزار دلار در هر سال درآمد دارند و تقریباً ۱۵/۴ درصد نمونه بین ۵۰ هزار دلار و ۷۴/۹۹۹ دلار درآمد دارند. باقی‌مانده ۱۳ درصد نمونه بیش از ۷۵ هزار دلار و ۲ درصد دیگر درآمدی بیش از ۱۵۰ هزار دلار در هر سال دارند.

جدول شماره ۷. نسب سیاسی شما چیست؟

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	ممیزی
۲۷/۳	۲۷/۳	۲۲/۷	۴۲۹	دموکرات
۹۷/۶	۷۰/۳	۵۸/۵	۱۱۰۵	مستقل
۱۰۰/۰	۲/۴	۲/۰	۳۷	جمهوری‌خواه
-	۱۰۰/۰	۸۳/۱	۱۵۷۱	مجموع
-	-	۱۶/۹	۳۱۹	نظام از دست رفته
-	-	۱۰۰/۰	۱۸۹۰	مجموع

(Guzman, 2011, p.9)

بر اساس جدول شماره هفت، تقریباً ۲۷/۳ درصد پاسخ‌گویان خودشان را دموکرات معرفی کردند و ۲/۴ درصد دیگر خود را جمهوری‌خواه معرفی کردند. به‌طور جالبی، نسبت بسیار بزرگی از نمونه، حدود ۷۰/۳ درصد نمونه خودشان را مستقل معرفی کردند. بر اساس اطلاعات موجود، این‌گونه به نظر می‌رسد که بیشتر کسانی که در جنبش وال‌استریت و کمپ‌ها فعال بودند متخصصان جوان و دانشجویان بین گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال بودند. درصد مشارکت زنان اندکی بیشتر از مردان بود. تقریباً نیمی از مشارکت‌کنندگان شغل تمام‌وقت داشتند ولی شمار زیادی از آن‌ها بیکار، کم‌اشتغال، دارای شغل موقت یا شاغل پاره‌وقت بودند. به نظر می‌رسد سطح درآمد بیشتر آن‌ها در حدود میانگین سطح درآمد آمریکایی‌ها بود. آن‌ها گروهی تحصیل‌کرده بودند: نیمی مدرک دانشگاهی داشتند و بسیاری نیز برخی از مراتب دانشگاهی را طی کرده بودند؛ بنابراین همانند جنبش‌های مشابه در دیگر کشورها، مشارکت‌کنندگان جنبش اشتغال نیز افرادی نسبتاً جوان و تحصیل‌کرده بودند که انتظارات حرفه‌ای‌شان در اقتصاد کنونی محدود شده بود. بیشتر آن‌ها سفیدپوست بودند هرچند اقلیت‌ها نیز حضور داشتند که غالباً گروه‌های ویژه خود را در درون جنبش سازمان می‌دادند (کاستلز، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷). در واقع، با این اوصاف می‌توان جنبش وال‌استریت را بر اساس نظریه تبیین ساختاری در جوامع سرمایه‌داری صنعتی «اوفه» تحلیل کرد؛ بنابراین، ظهور و رشد جنبش وال‌استریت، ارتباط تنگاتنگ با تغییر در ساختار طبقاتی جامعه سرمایه‌داری آمریکا دارد، زیرا پیدایش عواملی همچون رفاه نسبی، دست‌یابی به سطوح بالای آموزش و رشد شتابان بخش خدماتی، شرایط را برای ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید مانند جنبش وال‌استریت فراهم کرده است. در جنبش وال‌استریت طبق اطلاعات و جداول ذکرشده، «طبقات متوسط جدید» و گروه‌های کالایی‌نشده مانند کارمندان، معلولان، دانشجویان، زنان و هنرمندان به‌عنوان یک گروه هویتی جدید در مقابل هویت طبقه مسلط در جامعه با تغییر مناسبات اجتماعی و با ارتقاء آگاهی‌شان، با سهولت و سرعت جذب اهداف و علایق عام، جهان‌شمول و غیرطبقاتی جنبش گردیدند؛ زیرا به گفته «اوفه» این گروه‌ها محتمل‌ترین گروه‌هایی هستند که از عناصر غیرعقلانی نظام سرمایه‌داری معاصر، آگاهی دارند و به‌طور مستقیم نقایص آن را تجربه می‌کنند.

بر اساس نظریه تبیین ساختاری در جوامع سرمایه‌داری صنعتی «تورن»، می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که آگاهی هویتی زمانی در جنبش وال‌استریت شکل گرفت که نیروهای اجتماعی به‌ویژه گروه‌های تحصیل‌کرده، این موضوع را مورد بررسی قرار دادند که چگونه و چرا باید در فضای حاشیه‌ای قرار گیرند. چنین احساسی زمینه‌ساز شکل‌گیری آگاهی ضد چیرگی و ایجاد اشکال جدیدی از برخورد در زندگی روزمره آنان شد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۷۹).

به عبارتی دیگر گروه‌های اجتماعی نیز به دنبال کسب دانش و اطلاعات و به عبارتی تاریخ‌مندی، برای به دست آوردن قدرت بیشتر و القای ارزش‌ها و انگاره‌های (غالباً فرهنگی) خود در جامعه در مقابله با ارزش‌های تبلیغی از سوی دولت و کارتل‌های تجاری هستند و می‌خواهند تعریف جدیدی از طبیعت و انسان ارائه دهند؛ بنابراین، با توجه به فرآیند جنبش ضد وال‌استریت، می‌توان آن را به‌عنوان نماد جدیدی از اراده گروه‌های اجتماعی کشور آمریکا دانست. گروه‌هایی که تلاش دارند تا در ساختار اقتصاد مافوق طبقاتی که هویت گروه‌های اجتماعی فرودست نادیده گرفته شده و بسیاری از لایه‌های اجتماعی که حاشیه‌ای گردیده‌اند، به کنش مقابله‌جویانه مبادرت نمایند. کنشی که نمادهایی از هویت مقاومت در آن مشاهده می‌شود؛ بنابراین، جنبش وال‌استریت واکنشی نسبت به فرادستی گروه‌های فرادولت، فراطبقات و فراسیاست بین‌الملل محسوب می‌شود (متقی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۹۰)؛ بنابراین، جنبش وال‌استریت برای جایگزینی الگوها و انگاره‌های فرهنگی خود به‌جای انگاره‌ها و باورهای فرهنگی مسلط، سازمان‌دهی شدند (سردارنیا، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹). در واقع جنبش وال‌استریت سبب شکل‌گیری هویتی مشترک در ضدیت با ساختار حاکم گشت که به دنبال حفظ موجودیت زندگی اجتماعی خویش بودند.

هم «توسعه» و هم «جهانی شدن» نمادهایی از گفتمان مسلط نظام سرمایه‌داری جهانی هستند؛ گفتمانی که می‌تواند زمینه‌های کنترل محیط اجتماعی را فراهم کند؛ بنابراین، اقتصاد جهانی در دوران موجود با نشانه‌هایی از کنترل فرهنگ، جامعه و سیاست پیوند خورده است (متقی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸). بر اساس نظریه تبیین ساختاری در جوامع سرمایه‌داری صنعتی «ملوچی»، می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که در آمریکا، چیزواره شدن که نتیجه رشد اقتصاد مصرفی و دولت رفاه بروکراتیک است، به همراه ویژگی‌هایی همچون نظارت فراگیر نهادهای مراقبتی بر فرد، جهانی شدن ارتباطات و تجربیات زندگی و رشد نظام‌های رسانه‌ای (رهبری، ۱۳۹۳، ص ۲۹۱)، به درون آنچه در گذشته زندگی خصوصی نامیده می‌شد گسترش یافته و

چنین وضعیتی به ظهور جنبش وال‌استریت کمک می‌کند. در واقع، جنبش وال‌استریت اساساً برای دفاع از زیست‌جهان (ارزش‌های اجتماع و خانواده) در مقابل چیزواره شدن و اداره بروکراتیک به وجود آمده‌اند که به شدت این زیست‌جهان را از ناحیه نظام‌های اقتصادی و سیاسی جوامع مدرن تهدید می‌کنند. جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش وال‌استریت هم در واکنش و مقاومت در برابر این بحران‌ها شکل می‌گیرند و سعی در دفاع از حوزه عموم دارند و خواهان پاسخ‌گویی نظام به گونه‌ای عقلانی هستند (جمشیدی‌ها و حسین‌زاده، ۱۳۹۴، صص ۱۹۵-۱۹۸). در واقع جنبش وال‌استریت سبب گشت تا مردم ضمن حفاظت و حراست از هویت فردی خویش در برابر کارتل‌های اقتصادی و نخبگان قدرت این کشور، مقاومت گسترده‌ای در برابر مداخله‌گری دولت در حریم شخصی و زندگی خویش انجام دهند.

۶-۵. فرجام جنبش تسخیر وال‌استریت

میراث احتمالی جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده که هنوز در مرحله ساخته شدن هستند، چه خواهد بود؟ پاسخ دموکراسی است؛ شکل جدیدی از دموکراسی، این آرزوی دیرینه و هرگز تحقق نیافته بشر. فقط یک سازمان سیاسی دموکراتیک می‌تواند اقتصادی را که برای مردم کار می‌کند و جامعه‌ای را که در خدمت ارزش‌های انسان و تعقیب سعادت شخصی اوست، تضمین کند. در واقع، میراث جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده این خواهد بود که احتمال یادگیری دوباره چگونه باهم زیستن را افزایش دهند؛ با هم زیستن در دموکراسی واقعی (کاستلز، ۱۳۹۳، صص ۲۰۴-۲۰۶). کوشش این جنبش معطوف به نابود کردن شرارت در زمان حال و درعین حال اختراع دوباره اجتماع برای آینده است و دستاورد اساسی‌اش احیای امید به امکان زندگی‌ای دیگر (کاستلز، ۱۳۹۳، ص ۱۷۸). به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان غربی، دولت آمریکا سه سرنوشت عمده را برای یک جنبش اجتماعی رقم زده است:

۱- انحلال آن در نتیجه سرکوب.

۲- جذب فعالیت‌های سازمان‌یافته به درون یک حزب سیاسی (جذب آن درون نظام سیاسی برای مثال جنبش کارگری در کورپوراتیسم اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم جذب شد).

۳- ایجاد یک گروه فشار پایدار که بر حکومت و احزاب سیاسی تأثیر می‌گذارد که محتمل‌ترین سرنوشت برای جنبش‌های اجتماعی ایالات متحده است (نش، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰). امروزه معترضان، ساختار سیاسی در غرب را ساختاری فاسد می‌دانند که پاسخ‌گوی نیاز شهروندان نیست. در این میان گرچه نمی‌توان منکر وجود یک جامعه مدنی قوی در آمریکا شد؛ اما در عین حال وجود یک نظام سیاسی مقتدر موجب شده است تا این نظام بتواند با جذب بخش‌هایی از مطالبات معترضان، نقش تعدیل‌کننده این جنبش‌ها را ایفا کند. هرچند این اعتراضات، نظام سیاسی حاکم در آمریکا را به چالش کشاند، اما به نظر می‌رسد که نهایتاً نظام سیاسی آمریکا توانست با پاسخ‌گویی حداقلی و انجام اصلاحات ظاهری و سطحی، بخشی از معترضین را به سوی خود جلب و نهایتاً زمینه‌های تضعیف جنبش را فراهم کند.

جمع‌بندی

جهانی‌شدن به انواع پیوند و رابطه فرد با جامعه جهانی معطوف است و پدیده «به هم مربوطبودگی» را پیش می‌آورد. جهانی شدن، شبکه‌ای در حال تراکم از پیوندها و وابستگی‌های متقابل است که موجب یک هویت برون‌گرایانه و فراسرزمینی می‌شود، یک پیامد این وضعیت آن است که کنترل‌ناپذیری در سطح جهانی گسترش می‌یابد و تأثیر دیگر آن افزایش رابطه‌های محلی جهانی است که شکل مناسبات اجتماعی را عوض می‌کند. در بررسی رابطه جنبش‌های اجتماعی جدید و جهانی شدن می‌توان گفت که هر دو متقابلاً بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، به طوری که بسیاری از جنبش‌ها در ارتباط با مشکلات جهانی مثل جنبش زیست‌محیطی بسیج می‌شوند و متقابلاً امکان برقراری این مبادلات و آگاهی از مشکلات جهانی تا حد زیادی به وسیله دومین جنبه جهانی شدن، یعنی گسترش ارتباطات فراملی به خصوص اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، افزایش یافته است. همچنین نوع مهاجرت توده‌ای در قرن بیستم و زوال دولت-ملت‌ها نیز برای مطالعه جهانی شدن و جنبش‌های اجتماعی اهمیت زیادی دارد.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های جهانی شدن، فناوری اطلاعاتی و ارتباطی است که اینترنت یکی از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. اینترنت به خاطر انتشار سریع اطلاعات، ایجاد انسجام بین اعضا و رهبران، سازمان‌دهی و هویت‌سازی، ایجاد ائتلاف بین گروه‌های مختلف و

عمومی کردن و جهانی کردن موضوعات مهم، دارای اهمیت بسیاری برای جنبش‌های اجتماعی جدید است و استفاده زیادی از آن به عمل می‌آورد. اینترنت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای جهانی شدن می‌تواند با رسانه‌ای کردن سرکوب‌ها و موضوعات مهم، اعتراضات را به گوش جهانیان برساند و در کسب هواداری و پشتیبانی جهانی مؤثر واقع شود. اینترنت یک رسانه ملی و بین‌المللی برای جنبش‌ها فراهم می‌کند و افکار عمومی جهانی را در هواداری از جنبش و در مخالفت با حکومت بسیج می‌کند. در پایان به جنبش وال‌استریت به‌عنوان یک جنبش اجتماعی جدید پرداخته شد که بر اساس تغییرات ساختاری بر مبنای تحولات جوامع سرمایه‌داری صنعتی قابل تبیین است. با بررسی جنبش وال‌استریت، این نتایج حاصل شد که اعضای تشکیل‌دهنده این جنبش بیشتر تحصیل‌کرده و جوان و دارای کار تمام‌وقت و درآمد نسبتاً خوبی هستند که در شهرهای بزرگ و مهم ساکن هستند، لذا حامیان جنبش وال‌استریت، از لحاظ پایگاه اجتماعی، جزء طبقه متوسط نسبتاً مرفه هستند که دارای موقعیت و تحصیلات خوبی نیز می‌باشند؛ به‌عبارت دیگر می‌توان گفت بیشتر اعضای اصلی این جنبش را طبقه متوسط تشکیل می‌دهند که ضد نظام سرمایه‌داری قیام کرده‌اند و خواسته اصلی‌شان هم این است که خواهان افزایش توجه دولت و حکومت به خود و قشرهای مختلف جامعه در مقابل شرکت‌های بزرگ چندملیتی و مؤسسات مالی و طبقه کوچک سرمایه‌دار می‌باشند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جنبش وال‌استریت، اعلام استقلال آن‌ها از دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه آمریکا است. یکی دیگر از خصایص این جنبش نبود رهبر واحد است، لذا این جنبش از سوی گروه‌های مختلف هدایت و رهبری می‌شود. جنبش وال‌استریت یکی از نمونه‌های عینی قابل توجه از جنبش‌های اجتماعی در قرن ۲۱ است که به بهترین وجه ممکن از اینترنت و قابلیت‌های آن در جهت پیشبرد اهداف خود و بسیج هواداران استفاده کرد. جنبش وال‌استریت دریافت که تنها راه موفقیت و رسیدن به اهداف، کسب هواداری و پشتیبانی جهانی است. رسانه‌ای و اینترنتی شدن این جنبش، مانع از تلافی‌جویی و سرکوب افراطی و تند حکومت شد. شبکه اینترنت برای جنبش وال‌استریت در جامعه آمریکا، یک رسانه ملی و بین‌المللی فراهم کرد و افکار عمومی جهانی را در هواداری از جنبش و در مخالفت با حکومت و نظام سرمایه‌داری موجود بسیج کرد و به عبارت بهتر

موضوع جنبش وال استریت را جهانی ساخت و به دادگاه افکار عمومی جهانی کشاند. فعالان جنبش وال استریت از یک سو، از اینترنت برای اطلاع رسانی پیرامون این جنبش و عمومی کردن آن در حد گسترده استفاده کردند و از سویی دیگر، از قابلیت شبکه‌ای ساختن اینترنت برای ایجاد ائتلاف و جلب همکاری گروه‌ها و جنبش‌های ضد سرمایه‌داری نولیبرال بهره بردند. رسانه‌های اجتماعی در بنا نهادن و ترکیب بخش‌های مختلف جنبش وال استریت در سراسر دنیا مورد استفاده قرار گرفتند. لذا خصوصیت بارز این جنبش استفاده بسیار آن از اینترنت در رسانه‌ای کردن و جهانی کردن جنبش وال استریت است که بسیار موفق بوده است.

کتابنامه

- امین صارمی، نوذر (۱۳۹۰)، «وال استریت؛ جنبشی از درون (بررسی وال استریت از منظر جنبش‌های جدید اجتماعی)»، *رهنامه سیاست‌گذاری*، سال دوم، ش ۳، ۱۰۹-۱۲۴.
- بابایی، محمود و فهیمی‌فر، سپیده (۱۳۹۲)، «ویژگی‌های رسانه‌های نوین و الگوهای ارتباطی»، *مطالعات ملی کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات*، سال بیست و چهار، ش ۹۶، ۱۷۴-۱۹۳.
- باتامور، تام (۱۳۶۹)، *منتقدان جامعه*، ترجمه محمد جواهرکلام، تهران: سفیر.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی؛ با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد*، تهران: طرح نو.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ حسین‌زاده، میکائیل (۱۳۹۴)، «بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال وال استریت»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، سال هفتم، ش ۳، ۱۸۷-۲۰۹.
- جهانگیر، کیامرث (۱۳۸۶)، «جهانی شدن و تأثیر آن بر دولت‌های ملی و اقتدار جهانی»، *سیاست*، سال سی و هفت، ش ۴، ۷۵-۹۵.
- چوپانی، یدالله (۱۳۸۸)، «پدیده جهانی شدن فرهنگ‌ها»، *سیاست*، سال سی و نه، ش ۳، ۱۵۵-۱۷۵.
- خانیک، هادی؛ بابایی، محمود (۱۳۹۰)، «فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی؛ مفهوم و کارکردها»، *جامعه اطلاعاتی*، سال اول، ش ۱، ۷۱-۹۶.
- دلپورتا، دوناتلا؛ دینانی، ماریو (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- ذکایی، محمدسعید؛ حسینی، محمدحسین (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی کاربران رسانه‌های اجتماعی»، *راهبرد اجتماعی-فرهنگی*، سال پنجم، ش ۱۷، ۳۷-۶۳.

- رحمان‌زاده، سیدعلی (۱۳۸۹)، «کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن»، *مطالعات راهبردی جهانی شدن*، سال اول، ش ۱، ۴۹-۷۸.
- رشیدی، احمد (۱۳۸۶)، «بازاندیشی دموکراسی و تحول رابطه جامعه و دولت در عصر جهانی شدن»، *سیاست*، سال سی و هفتم، ش ۳، ۱۱۳-۱۳۸.
- رهبری، مهدی (۱۳۹۳)، *جنبش‌های اجتماعی؛ کلاسیک/ مدرن/ پست‌مدرن*، تهران: کویر.
- روشه، گی (۱۳۷۶)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: مرکز.
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۷۷)، «نظریه ترکیبی در مورد جنبش‌های اجتماعی»، *فرهنگ*، سال یازدهم، ش ۲۷ و ۲۸، ۲۴۵-۲۷۲.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸)، «اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی)»، *پژوهش‌های ارتباطی*، سال شانزدهم، ش ۴، ۱۵۱-۱۷۶.
- همو (۱۳۹۰)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی جدید*، تهران: میزان.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ میرالی، سجاد (۱۳۹۳)، «دموکراسی رایزنانه؛ جنبش‌های اجتماعی و حوزه عمومی جهانی (با تأکید بر نظریه عقلانیت ارتباطی هابرماس)»، *سیاست*، سال ۴۴، ش ۲، ۴۴۷-۴۶۱.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، *روش تحقیق در علوم سیاسی*، تهران: قومس.
- قاسمی سیانی، علی‌اصغر (۱۳۸۸)، «نقش جنبش جوانان در گذار به دموکراسی: تمهیدات نظری»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، سال دوم، ش ۲، ۹۹-۱۲۱.
- قانع‌راد، محمدامین؛ خسروخاور، فرهاد (۱۳۸۶)، «جنبش‌های اجتماعی جدید: پایان مبارزه برای رفاه و سیاست اجتماعی؟»، *رفاه اجتماعی*، سال ۶، ش ۲۵، ۲۳۵-۲۶۷.
- قرلسفلی، محمدتقی (۱۳۹۰)، *فلسفه فلسفه سیاسی*، تهران: رشد آموزش.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ج ۱، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- همو (۱۳۹۳)، *شبکه‌های خشم و امید؛ جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت*، ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران: مرکز.
- کریمی، علی (۱۳۸۶)، «هویت‌های جدید در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت عمومی»، *پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی*، سال ۱، ش ۴، ۷۹-۱۰۶.
- همو (۱۳۹۰)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی؛ مسائل و نظریه‌ها*، تهران: سمت.
- کوهکن، علیرضا؛ توتی، حسینعلی؛ موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۲)، «جنبش وال‌استریت؛ جنبش نوین اجتماعی (واکاوی ابعاد وجودی و پیامدها)»، *علوم انسانی اسلامی*، سال ۲، ش ۶ و ۷، ۱۹-۳۲.

- گوهری مقدم، ابوزر؛ دهقانی محمدآبادی، محمدصادق (۱۳۹۰)، «تأثیر رسانه‌های مجازی بر جنبش اشغال وال استریت»، *رسانه*، سال ۲۲، ش ۸۴-۵-۲۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۲)، «وال استریت؛ آیینۀ فرسودگی و خمودگی در نظام سرمایه‌داری»، *علوم انسانی اسلامی صدر*، سال ۲، ش ۶ و ۷، ۱۰۷-۱۱۲.
- متقی، ابراهیم؛ کوه‌خیل، مرجان؛ پازن، مژگان (۱۳۹۰)، «وال استریت؛ بحران سرمایه‌داری و مقاومت از درون»، *مطالعات آمریکا*، سال ۱، ش ۴، ۷۰-۹۴.
- مصطفی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰)، «نشانه‌شناسی اقتصادی- اجتماعی بحران وال استریت»، *رهنامه سیاست‌گذاری*، سال ۲، ش ۳، ۶۱-۸۴.
- نادری، مرتضی (۱۳۹۱)، «جنبش وال استریت: تحلیل زمینه و تخمین آینده بر اساس نظریه تد رابرت گر»، *مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی- اسرائیل‌شناسی*، سال ۱۳، ش ۲، ۸۹-۱۱۸.
- نش، کیت (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست، قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- نصرتی‌نژاد، فرهاد (۱۳۸۳)، «ارتباطات، جهانی شدن و جنبش‌های اجتماعی (نگاهی اجمالی به جنبش اصلاح‌طلبی در ایران)»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، سال ۴، ش ۱۴، ۱۳۷-۱۶۰.
- نعمتی، مرتضی (۱۳۹۰)، «تحول مفاهیم فضا- زمان در جامعه اطلاعاتی؛ ضرورت بازنگری در مفاهیم بنیادین جغرافیایی»، *جامعه اطلاعاتی*، سال ۱، ش ۱، ۱۹۱-۲۱۵.
- هرسیج، حسین؛ رحیمی، رئوف؛ رمضان، ملیحه (۱۳۹۲)، «تجزیه و تحلیل جنبش وال استریت بر اساس نظریه هابرماس»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال ۴، ش ۴، ۱۵۳-۱۷۷.

- Berton, M. (1984), "Relating Competence", *Journal of progressive Human Services*, No. 4, 27-45.
- Giddens, Anthony (1990), *The Consequences of Modernity*, Stanford: Calif.
- Guzman, H. R. (2011), "Mainstream Support for a Mainstream Movement", *School of Pubic Affairs*, Baruch College.
- Hass, S. (2012), "YouTube and the Occupy Wall Street Movement", *ICA Conference*, Phoenix, Arizona.
- Hirst, P. & Grahame, T. (2002), "The Future of Globalization", *Journal of the Nordic International Studies Association*, Vol. 37(3), 247-265.
- Kilibarda, K. (2012), "Lessons From Occupy in Canada", *Journal of Critical Globalisation Studies*, Issue 5, 24-41.

- Klandermans, B. & Roggeband, C. (2007), *Handbook of Social Movements Across Disciplines*, New York: Springer.
- Mittelman, James H. (1996), *The Dynamics of Globalization*, in *Globalization: Critical Reflections*, Lynne Rienner Publishers.
- Robertson, R. (1992), *Globalization: Social Theory and Global Culture*, Vol. 16, SAGE Publications Ltd.
- Saad, Lydia (2011), "Americans Express Historic Negativity Toward U.S. Government", Gallup, September 26:
<http://www.gallup.com/poll/149678/americans-express-historic>.
- Schechter, D. (2011), "Occupy: Dissecting Occupy Wall Street", Published by NewsDissector.org, in Association with Coldtype.net, December.
- Tilly, Charles (2004), *Social Movement 1768-2004*, Boulder: CO, Paradigm Publisher.
- Zald, M. N. (1996), "Culture, Ideology and Strategic Framing", in: *Comparative Perspectives on Social Movements*, Cambridge: Cambridge University Press.

